

رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی

احمد رضا حاجیان^۱، محمود شیخ‌الاسلامی^۲، رضا همایی^۳، فیض‌اله رحیمی^۴، مهین امین‌الرعایا^۵

چکیده

زمینه و هدف: هوش معنوی و هوش هیجانی می‌تواند مکمل یکدیگر در جهت سالم‌سازی زندگی انسان باشد. از سویی، هوش معنوی با تقویت معنویات و اعتقادات دینی موجب ثبات صفات پسندیده می‌شود و از سوی دیگر، هوش هیجانی موجب بهبودی روابط اجتماعی و کنترل عواطف و احساسات می‌گردد. بدین ترتیب فرد می‌تواند به سوی کمال حرکت کند.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش، توصیفی-همبستگی است و حجم نمونه برآورد شده برابر با ۴۲۴ نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در سال ۱۳۹۰ بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای از دانشکده‌ها و رشته‌های مختلف انتخاب شدند. ابزارهای اندازه‌گیری شامل دو پرسش‌نامه سنجش ویژگی‌های هوش هیجانی Petrides و Farnham و پرسش‌نامه هوش معنوی محقق ساخته بود که ضریب پایایی به دست آمده برای آن‌ها به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۷ بود. جهت تحلیل داده‌های حاصل از روش آماری تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌ها طبق برآورد تحلیل رگرسیون نشان داد که بین هوش معنوی با هوش هیجانی رابطه وجود دارد و این ارتباط در ابعاد مختلف هوش معنوی و هوش هیجانی مشاهده شد و رابطه معنی‌داری بین آن‌ها وجود داشت.

نتیجه‌گیری: هوش معنوی بیشتر موجب هوش هیجانی بیشتر می‌شود و به واقع هوش معنوی تقویت‌کننده هوش هیجانی است.

واژه‌های کلیدی: دانشجویان، هوش معنوی، هوش هیجانی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان

نوع مقاله: پژوهشی

دریافت مقاله: ۹۱/۸/۲۰

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۱/۱۹

مقدمه

دوستی و مانند این‌ها پدیدار می‌شود (۴-۱).

Elkins و Cavendish معتقد بودند که معنویت موجب معنی در زندگی انسان می‌شود، به گونه‌ای که وی رفتارهای عقلانی و منطقی را جهت پیروی در زندگی استفاده می‌کند (۵). ارتباطات وی با دیگران یک ارتباط انسانی و اعتقادی خواهد بود و نگرش مثبتی به خود و دیگران دارد. در شروع سال ۲۰۰۰، Zohar و Marshall (استادان دانشگاه آکسفورد)

مطالعات جدید عصب‌شناسان نشان می‌دهد که برخی کنش‌های مغزی با تجربه‌های معنوی همراه است. یکی از قسمت‌های مغز، قسمت لپ‌های گیجگاهی پشت ناحیه گیجگاهی است و عصب‌شناسان این بخش را «منطقه خدا» نامیدند، زیرا با تحریک مصنوعی آن موضوع‌های معنوی مانند دیدار با خدا، گفتگوی دینی، از خودگذشتگی، فداکاری، انسان

Email: ahmad_r_haj@yahoo.com

۱- کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه جامع علمی کاربردی، اصفهان، ایران (نویسنده مسؤؤل)

۲- استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور اصفهان، اصفهان، ایران

۳- مربی، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور اصفهان، اصفهان، ایران

۴- کارشناس ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور اصفهان، اصفهان، ایران

۵- کارشناس ارشد مدیریت آموزشی، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران

زندگی بیشتر است و توانایی بالاتری را جهت سازگاری با محیط از خود بروز می‌دهند. وی ده مهارت هوش معنوی را بدین گونه تشریح می‌کند (۱۱):

۱) تجربه معنوی (Religious experiences): وجود فعالیت و تجربه‌های خاص مذهبی، ۲) مقابله با استرس (Coping): استفاده از ایمان و اعتقاد مذهبی برای حل مسایل زندگی و فشارهای زندگی، ۳) هدفمند بودن (Purpose): داشتن هدفی مشخص در زندگی با در نظر گرفتن مسایل مذهبی، ۴) پرستش‌گاه (Worship place) تمایل به مکان‌های مذهبی و رهبری مذهبی، ۵) خارج شدن از اصول (Living out): فاصله گرفتن از اصول و عقاید کلیشه‌ای در زندگی، ۶) محوریت اعتقادات (Centrality): تأثیر مذهب در رفتار و عملکرد (مانند خوردن، آشامیدن، پوشش)، ۷) مقررات مذهبی (Religious practices): رعایت قوانین و فرمایشات مذهبی در زندگی، ۸) نیایش (Prayer): دعا کردن و اعمال مذهبی در زندگی، ۹) تحمل کردن (Tolerance): تحمل نمودن اعتقادات سایر مذاهب و برخورد اصولی و منطقی با آنها، ۱۰) مفاهیم دینی (Religious concepts) اعتقاد به مفاهیم اساسی دینی (مانند خالق یکتای جهان، روح، زندگی پس از مرگ).

مؤسسه آگاهی سنجی پرودیو (Conscious pursuits) در آمریکا نیز شش مهارت برای هوش معنوی تعریف کرده است. این مهارت‌ها شامل دلسوزی برای دیگران، احساس ملکوتی، خردورزی، توانایی گوش دادن، توکل بر خدا و تعهد و ایمان می‌باشد (۱۰). همچنین، Wolman اجتماعی بودن و ادراک فراحسی را دو مهارت اساسی هوش معنوی معرفی می‌کند (۱۲). به واقع هوش معنوی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها است که علاوه بر لطافت و انعطاف‌پذیری در رفتار موجب خودآگاهی و بینش عمیق فرد به زندگی و هدفدار نمودن آن به گونه‌ای که فراتر از دنیای مادی، اهداف ترسیم می‌گردد و همین فرایند موجب سازگاری مناسب فرد با محیط به جهت خشنودی و رضایت دیگران می‌شود، زیرا با این سازگاری وی در صدد رضایت خداوند متعال است. بر همین اساس می‌توان

که در زمینه فیزیک، فلسفه و مذهب به مطالعه می‌پرداختند، کتابی تحت عنوان «هوش معنوی: هوش بنیادی» (Spiritual Intelligence: The ultimate intelligence) یا SQ) منتشر کردند که سرآغاز هوش سومی، به عنوان «هوش معنوی» (Spiritual Intelligence) در مجامع علمی مطرح گردید (۶).

Vaughan معتقد است که هوش معنوی یکی از انواع هوش‌های چندگانه است که به طور مستقل می‌تواند رشد و توسعه یابد. هوش معنوی نیازمند شیوه‌های مختلف شناخت و وحدت زندگی درونی ذهن با زندگی در دنیای هستی است (۷). بر همین اساس، Elkins و Cavendish (۵) و Zohar و Marshall (۶) معتقدند که هوش معنوی موجب می‌شود تا فرد در برابر رویدادها و حوادث زندگی بینشی عمیق بیابد و از سختی‌های زندگی نهراسد و با صبر و تعمق با آنها مقابله نماید و راه حل‌های منطقی و انسانی برای آنها بیابد. McSherry و همکاران در زمینه هوش معنوی می‌گویند که هوش معنوی زیر بنای باورهای فرد می‌باشد و موجب اثرگذاری بر عملکرد وی می‌شود؛ به طوری که شکل واقعی زندگی را قالب‌بندی می‌کند (۸). McGuire در تعریف هوش معنوی می‌گوید که هوش معنوی توانایی عمل همراه با آگاهی و ترحم در عین حال حفظ سلامت و آرامش درونی و بیرونی (بردباری)، صرف نظر از شرایط می‌باشد. در واقع هوش معنوی یک هوش ذاتی انسانی است و همانند هر هوش دیگر می‌تواند رشد کند، این بدان معنی است که می‌توان آن را توصیف و اندازه‌گیری کرد (۹). مؤسسه آگاهی سنجی پرودیو در نمودار زیر چگونگی وجود چهار هوش معنوی، هوش هیجانی، بهره هوشی و هوش فیزیکی را در یک هرم ترسیم نموده است؛ به طوری که هوش معنوی را بالاترین و با ارزش‌ترین هوش در انسان و در رأس هرم قرار داده است (۱۰).

در مطالعات Smith نشان داده شد که هوش معنوی لازمه سازگاری بهتر با محیط است و افرادی که از هوش معنوی بالاتری برخوردارند، تحمل آنان در مقابل فشارهای

موفقیت هدایت کند که این فرایند برای دانشجویان که آینده‌سازان کشور هستند، بسیار ضروری است. بنابراین مطالعه در زمینه اثرگذاری که هوش معنوی می‌تواند بر هوش هیجانی بگذارد، راه‌کارهای آموزشی دو هوش مذکور را برای مدیران دانشگاه روشن خواهد نمود، زیرا هر دو هوش معنوی و هوش هیجانی را می‌توان با آموزش تقویت نمود و با این موضوع از بسیاری از آسیب‌های اجتماعی نیز می‌توان جلوگیری نمود. از این رو، پژوهش حاضر در صدد سنجش رابطه هوش هیجانی و هوش معنوی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بود.

مواد و روش‌ها

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. با بهره‌گیری از فرمول برآورد حجم نمونه، ۴۲۴ نفر تعیین شد. جهت انتخاب دانشجویان گروه نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد. به همین منظور، از بین ۵ دانشکده حاضر در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۳ دانشکده به طور تصادفی ساده انتخاب شد. سپس از بین رشته‌های حاضر در دانشکده‌های مذکور، سه رشته آموزشی به طور تصادفی انتخاب و از بین دانشجویان رشته‌های منتخب، از بین ترم‌های مختلف تحصیلی تعدادی به طور تصادفی انتخاب شدند که از این تعداد ۲۷۵ نفر دانشجوی دختر و ۱۴۹ نفر دانشجوی پسر بودند. ابزار اندازه‌گیری: الف. پرسش‌نامه سنجش ویژگی‌های هوش هیجانی که این پرسش‌نامه توسط Petrides و همکاران تهیه شده است و متشکل از ۳۰ ماده می‌باشد که به هر ماده از نمره ۱ تا ۷ (به طور کامل مخالف تا به طور کامل موافق) تعلق می‌گیرد (۱۹). پرسش‌نامه مذکور، هوش هیجانی را در چهار حیطه: (۱) درک عواطف و احساسات خود و دیگران، (۲) کنترل احساسات و عواطف، (۳) تنظیم روابط خود با دیگران (مهارت‌های اجتماعی)، (۴) خوش‌بینی و نگرش مثبت، مورد سنجش قرار می‌دهد. Petrides و همکاران با استفاده از روش همسانی درونی سؤالات پرسش‌نامه، پایایی آن را ۰/۸۶ گزارش نموده‌اند. ضریب محاسبه شده برای پرسش‌نامه مذکور با

اذعان نمود که ارتباط مستقیمی می‌تواند بین هوش هیجانی و هوش معنوی وجود داشته باشد. مطالعات Elkins و Cavendish (۵)، مؤسسه آگاهی سنجی پرودیو (۱۰)، Ross (۱۳)، Thompson (۱۴)، Oswald (۱۵) و Van و Cusveller (۱۶) نشان داد که بین هوش معنوی و هوش هیجانی و صلاحیت‌های شخصی و سلامت ذهن همبستگی بالایی وجود دارد. مطالعات آنان نشان می‌دهد که هوش معنوی به رشد و غنا و تقویت هوش هیجانی کمک و یاری می‌رساند و همچنین هوش هیجانی در رسیدن فرد به یک هوش معنوی بالا یاری دهنده است. بنابراین، می‌توان فرض کرد که برای رسیدن به یک زندگی شاد و خوشبخت همراه با سلامتی جسمی و روانی، هوش معنوی و هوش هیجانی لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

Bar-on نظریه‌پرداز دیگری است که هوش هیجانی را به عنوان مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌های غیر شناختی می‌داند که توانایی‌های فرد را در برخورد موفقیت‌آمیز با مقتضیات و فشارهای محیطی افزایش می‌دهد و موجب بروز رفتارهای سازگارانه و انسان دوستانه از سوی فرد می‌شود (۱۷). مطالعه Tichan (به نقل از Cobb و Mayer) نشان می‌دهد که احساسات و عواطف مانند سایر موضوع‌های علمی، دارای اصول و فونونی است که برخی در آن تبحر دارند و عده‌ای هم ضعیف هستند. این که شخص چه قدر در هوش هیجانی مهارت دارد و خیره باشد، می‌تواند وی را در زندگی شخصی و اجتماعی فردی منعطف، سازگار، انسان دوست و موفق سازد. در صورتی که فرد از هوشیاری عاطفی کمی برخوردار باشد و فقط از نظر بهره هوشی (Intelligence quotient) در سطح بالا باشد، ممکن است تا در دنیای علم، پیشرفت داشته باشد، ولی در زندگی شخصی و اجتماعی در روابط با دیگران نمی‌تواند رفتار مفید و مؤثر داشته باشد (۱۸). بنابراین، هوش هیجانی به علت مرتبط بودن با مهارت‌های مهم زندگی شخصی و اجتماعی، نقش مهمی در موفقیت و هدایت فرد دارد. بنابراین هوش معنوی به لحاظ تأثیری که بر فرد دارد، می‌تواند رفتار فرد را به سوی

ضریب Cronbach's alpha برابر با $0/87$ می‌باشد که مبین سطح پایایی مطلوب آن است. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها با توجه به این پژوهشگران به دنبال تأثیر هوش معنوی بر هوش هیجانی است و در صدد سنجش میزان تأثیرگذاری بودند، جهت تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل در سطح آمار استنباطی از آزمون تحلیل رگرسیون چند گانه استفاده شد.

یافته‌ها

طبق نتایج جدول ۱، از حیطه‌های هوش معنوی پنج حیطه محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه) و صبر و تحمل دیگران بر آگاهی از عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی تأثیر داشته است. بنابراین برای ساخت معادله رگرسیون، باید پنج حیطه محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه) و صبر و تحمل دیگران در کنار مؤلفه آگاهی از عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی قرار داشته باشد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که میزان تأثیرپذیری آگاهی از عواطف خود و دیگران دانشجویان از پنج حیطه هوش معنوی $0/58$ مشاهده شده است.

استفاده از ضریب Cronbach's alpha $0/84$ به دست آمد. (ب) پرسش‌نامه هوش معنوی: این پرسش‌نامه توسط محقق ساخته تهیه شد. این پرسش‌نامه با الهام از مهارت‌های ذکر شده توسط مؤسسه آگاهی سنجی پرودیو و Smith در مورد هوش معنوی طراحی شده است. پرسش‌نامه مذکور دارای ۴۰ سؤال می‌باشد و به سنجش هوش معنوی در هشت حیطه: (۱) محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، (۲) خودآگاهی، (۳) پالایش تجربه‌های روزانه خود، (۴) توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی، (۵) تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)، (۶) دعا و نیایش، (۷) اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران پرداخته است. طیف این پرسش‌نامه به صورت پنج گزینه‌ای (به طور کامل موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم، به طور کامل مخالفم) می‌باشد که به ترتیب نمره ۱ تا ۵ به آن‌ها تعلق گرفته است. جهت تعیین روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه مذکور، پرسش‌نامه اولیه همراه با اهداف پژوهش و فرم ارزیابی، برای تعدادی از استادان و متخصصین علوم دینی ارسال و از آنان خواسته شد تا پرسش‌نامه را بررسی و در فرم‌های ارزیابی نظرات خود را بیان نمایند. میانگین نمره ارزیابی صاحب‌نظران $4/41$ (در طیف پنج ارزشی لیکرت) بوده است که بیانگر روایی مطلوب ابزار است. همچنین پایایی ابزار نیز، پس از اجرای مقدماتی با استفاده از

جدول ۱. نتایج ضریب رگرسیون چندگانه وزن‌های خالص و ناخالص سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه آگاهی از عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی

منبع	ضرایب غیر استاندارد	خطای معیار	ضرایب رگرسیون	ارزش T	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
محوریت اعتقاد به خداوند در کارها	۰/۳۳۶	۰/۰۵۹	۰/۷۹	۵/۵۰	۰/۵۸	۰/۰۰۱
خودآگاهی	۰/۲۳۸	۰/۰۶۰	۰/۹۱	۵/۹۸	۰/۵۸	۰/۰۰۱
پالایش تجربه‌های روزانه خود	۰/۳۸۵	۰/۰۴۵	۰/۵۴	۴/۳۳	۰/۵۸	۰/۰۰۱
توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی	۱/۹۹	۰/۰۵۶	۰/۰۱۳	۰/۳۵۵	۰/۰۶	۰/۷۲۰
تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)	۲/۴۲	۰/۰۰۹	۰/۶۶	۴/۵۴	۰/۵۸	۰/۰۰۱
دعا و نیایش	۴/۵۲	۰/۰۲۲	۰/۰۷۱	۱/۰۸	۰/۰۶	۰/۵۹۰
اعتقاد به مفاهیم دینی	۱/۳۱	۰/۰۳۴	۰/۴۱	۰/۶۳	۰/۰۶	۰/۴۱۰
صبر و تحمل دیگران	۰/۸۸	۰/۰۴۳	۰/۸۵	۵/۶۴	۰/۵۸	۰/۰۰۱

جدول ۲. نتایج ضریب رگرسیون چندگانه وزن‌های خالص و ناخالص سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه کنترل عواطف و هیجانات از هوش هیجانی

منبع	ضرایب غیر استاندارد	خطای معیار	ضرایب رگرسیون	ارزش T	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
محوریت اعتقاد به خداوند در کارها	۲/۵۳	۰/۰۵۱	۰/۵۲	۰/۸۵	۰/۰۸	۰/۷۴۰
خودآگاهی	۰/۱۵۶	۰/۰۵۰	۰/۲۸	۳/۱۷	۰/۴۷	۰/۰۰۱
پالایش تجربه‌های روزانه خود	۰/۲۲	۰/۰۳۵	۰/۵۵	۶/۳۶	۰/۴۷	۰/۰۰۱
توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی	۸/۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۷۵	۱/۰۷	۰/۰۸	۰/۲۹۰
تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)	۰/۹۱	۰/۰۵۲	۰/۴۸	۴/۲۶	۰/۴۷	۰/۰۰۱
دعا و نیایش	۰/۱۲	۰/۰۳۷	۰/۲۰	۳/۳۹	۰/۴۷	۰/۰۰۱
اعتقاد به مفاهیم دینی	۳/۳۸	۰/۰۳۶	۰/۴۱	۲/۶۲	۰/۴۷	۰/۰۴۰
صبر و تحمل دیگران	۰/۳۶	۰/۰۴۰	۰/۶۲	۶/۷۷	۰/۴۷	۰/۰۰۱

جدول ۳. نتایج ضریب رگرسیون چندگانه وزن‌های خالص و ناخالص سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه مهارت‌های اجتماعی از هوش هیجانی

منبع	ضرایب غیر استاندارد	خطای معیار	ضرایب رگرسیون	ارزش T	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
محوریت اعتقاد به خداوند در کارها	۰/۳۸	۰/۰۴۸	۰/۸۴	۷/۹۳	۰/۷۴	۰/۰۰۱
خودآگاهی	۰/۱۰۶	۰/۰۳۲	۰/۴۳	۳/۲۶	۰/۳۱	۰/۰۰۴
پالایش تجربه‌های روزانه خود	۰/۱۴	۰/۰۴۵	۰/۸۰	۳/۹۵	۰/۷۴	۰/۰۰۲
توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی	۰/۳۳	۰/۰۴۲	۰/۰۸	۱/۰۲	۰/۰۵	۰/۵۱۰
تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)	۰/۲۱	۰/۰۳۹	۰/۳۵	۳/۱۱	۰/۳۱	۰/۰۰۵
دعا و نیایش	۱/۵۴	۰/۰۵۲	۰/۰۱۴	۰/۴۵	۰/۰۵	۰/۶۴۰
اعتقاد به مفاهیم دینی	۰/۳۸	۰/۰۵۵	۰/۴۳	۳/۷۴	۰/۳۱	۰/۰۰۳
صبر و تحمل دیگران	۰/۳۱	۰/۰۴۴	۰/۷۹	۵/۶۶	۰/۷۴	۰/۰۰۱

۰/۴۷ مشاهده شده است.

طبق نتایج جدول ۳، از هشت حیطه هوش معنوی شش حیطه آن یعنی، محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران بر حیطه مهارت‌های اجتماعی از هوش هیجانی تأثیر داشته است. بنابراین برای ساخت معادله رگرسیون، باید شش حیطه آن یعنی، محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران، در کنار مؤلفه مهارت‌های اجتماعی از هوش هیجانی قرار داشته باشد.

طبق نتایج جدول ۲، از هشت حیطه هوش معنوی شش حیطه آن یعنی، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)، دعا و نیایش، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران، بر کنترل عواطف و هیجانات از هوش هیجانی تأثیر داشته است. بنابراین برای ساخت معادله رگرسیون، باید شش حیطه آن یعنی، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)، دعا و نیایش، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران، در کنار مؤلفه کنترل عواطف و هیجانات از هوش هیجانی قرار داشته باشد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که میزان تأثیرپذیری کنترل عواطف و هیجانات دانشجویان از شش حیطه هوش معنوی

جدول ۴. نتایج ضریب رگرسیون چندگانه وزن‌های خالص و ناخالص سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی

منبع	ضرایب غیر استاندارد	خطای معیار	ضرایب رگرسیون	ارزش T	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
محوریت اعتقاد به خداوند در کارها	۰/۴۷	۰/۰۸۰	۰/۵۸	۳/۵۵	۰/۳۵	۰/۰۰۱
خودآگاهی	۱/۸۸	۰/۰۷۱	۰/۰۹۵	۰/۶۶	۰/۰۵	۰/۶۲
پالایش تجربه‌های روزانه خود	۲/۲۲	۰/۰۰۹	۰/۰۸۶	۰/۵۱	۰/۰۵	۰/۷۴
توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی	۰/۲۵	۰/۰۴۳	۰/۹۰	۳/۸۶	۰/۳۵	۰/۰۰۱
تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)	۰/۵۱	۰/۰۲۹	۰/۹۵	۴/۱۲	۰/۳۵	۰/۰۰۱
دعا و نیایش	۴/۱۴	۰/۰۷۷	۰/۰۹۴	۰/۵۶	۰/۰۵	۰/۶۹
اعتقاد به مفاهیم دینی	۰/۵۵	۰/۰۸۲	۰/۸۵	۳/۸۲	۰/۳۵	۰/۰۰۳
صبر و تحمل دیگران	۲/۱۴	۰/۰۲۹	۰/۰۵۰	۰/۸۸	۰/۰۵	۰/۳۳

ضریب تعیین نشان می‌دهد که میزان تأثیرپذیری مهارت‌های اجتماعی دانشجویان از شش حیطه هوش معنوی بین ۰/۳۱ تا ۰/۷۴ مشاهده شده است.

طبق نتایج جدول ۴، از حیطه‌های هوش معنوی چهار حیطه آن یعنی، محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه) و اعتقاد به مفاهیم دینی بر مؤلفه خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی تأثیر داشته است. بنابراین برای ساخت معادله رگرسیون، باید چهار حیطه آن یعنی، محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه) و اعتقاد به مفاهیم دینی، در کنار مؤلفه خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی قرار داشته باشد. ضریب تعیین نشان می‌دهد که میزان تأثیرپذیری خوش‌بینی و نگرش مثبت دانشجویان از چهار حیطه هوش معنوی ۰/۳۵ مشاهده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش در زمینه سهم نسبی هر یک از حیطه‌های هوش معنوی بر حیطه‌های هوش هیجانی، نشان داد که از هشت حیطه هوش معنوی دانشجویان، پنج حیطه آن یعنی،

محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه) و صبر و تحمل دیگران می‌تواند بر آگاهی از عواطف خود و دیگران از هوش هیجانی، شش حیطه هوش معنوی یعنی، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)، دعا و نیایش، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران بر حیطه کنترل عواطف و هیجانات، شش حیطه هوش معنوی یعنی، محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، خودآگاهی، پالایش تجربه‌های روزانه خود، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه)، اعتقاد به مفاهیم دینی و صبر و تحمل دیگران بر حیطه مهارت‌های اجتماعی از هوش هیجانی و همچنین چهار حیطه محوریت اعتقاد به خداوند در کارها، توکل بر خدا برای حل مشکلات زندگی، تجربه‌های دینی (انجام امور خیرخواهانه و خدا دوستانه) و اعتقاد به مفاهیم دینی از هوش معنوی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده افزایش حیطه خوش‌بینی و نگرش مثبت از هوش هیجانی باشد. بنابراین اکثر حیطه‌های هوش معنوی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده حیطه‌های هوش هیجانی باشد و می‌تواند موجب بهبود و افزایش آن‌ها گردد. بر اساس یافته‌های حاصل می‌توان اذعان نمود، اگر انسان بتواند در

هوش هیجانی تأثیری نداشته‌اند و این می‌تواند ناشی از این موضوع باشد که دعا و نیایش از اعمال به طور کامل شخصی است و هر شخصی با هر نگرشی و هر چه قدر آگاهی نسبت به عواطف، دست به دعا و نیایش می‌برد و دعا و نیایش به تنهایی نمی‌تواند موجب بالا رفتن آگاهی از عواطف خود و دیگران و یا ایجاد نگرش مثبت و خوش‌بینی در فرد شود، زیرا چه بسا فردی گوشه‌گیر و بدبین نیز دست بر دعا و نیایش بر می‌دارد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ترویج دعا خواندن در بین دانشجویان و برگزاری مراسم مذهبی در دانشگاه می‌تواند تقویت‌کننده هوش هیجانی دانشجویان و جلوگیری از آسیب‌پذیری آن‌ها در صحنه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی و زندگی شخصی شود. هر چه قدر فرد در زندگی خود در چگونگی انجام کارها خداوند را به عنوان ملاک خود قرار دهد و کارها و اعمال خود را بر اساس دانش و آگاهی و شناخت انجام دهد، همچنین در مقابل رفتار نادرست دیگران نیز صبر و بردباری داشته باشد، کارهای روزانه خود را در زمان استراحت و آسودگی مرور کند و تجربه‌های نادرست را کنار بگذارد، می‌تواند بسترهای رشد و پویایی هوش هیجانی خود را فراهم کند. بر همین اساس، می‌توان با تقویت هوش معنوی دانشجویان و حتی از سنین مدرسه و قبل از آن (دوره پیش دبستانی)، موجبات پرورش هوش هیجانی را در آن‌ها به وجود آورد و به دنبال آن شاهد رفتارهای درست و منطبق با ارزش‌های جامعه بود.

کارها و امور دنیوی خود با توکل بر خداوند و محوریت قرار دادن فرامین او، با دیگران ارتباط برقرار کند و در هر شرایطی به دیگران کمک کند، می‌توان شاهد یک انسان وارسته، خداپرست و خدا ترس بود. به واقع، این گونه عمل نمودن، مورد رضایت خداوند و خلق اوست. بنابراین تقویت هوش معنوی، که به واقع همان اطاعت‌پذیری از خداوند است، موجب بهبود رفتار اجتماعی و احترام به عواطف و احساسات و رعایت حقوق دیگران یا به عبارت دیگر، بهبود و تقویت هوش هیجانی می‌گردد. بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان به یک رابطه مستقیم بین هوش معنوی و هوش هیجانی پی برد. همان گونه که مطالعات مؤسسه آگاهی سنجی پرودیو آمریکا نشان داد، بین هوش معنوی و هوش هیجانی یک رابطه تعاملی وجود دارد و هر دو بر یکدیگر تأثیر مستقیم دارند (۱۰). به عبارت دیگر، با افزایش و رشد یکی، افزایش و رشد دیگری نیز حاصل خواهد شد. بنابراین، علاوه بر تأیید یافته‌های پژوهش حاضر، بر اساس مطالعات Elkins و Cavendish (۵)، مؤسسه آگاهی سنجی پرودیو (۱۰)، Smith (۱۱)، Ross (۱۳)، Thompson (۱۴)، Van و Cusveller (۱۶) نیز یافته‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شود که نشان دهنده رابطه مستقیم بین هوش معنوی و هوش هیجانی می‌باشد. دعا و نیایش تنها حیطه از هوش معنوی است که بر سه حیطه آگاهی از عواطف خود و دیگران، مهارت‌های اجتماعی و خوش‌بینی و نگرش مثبت از

References

1. Chiu L. Spiritual resources of Chinese immigrants with breast cancer in the USA. *Int J Nurs Stud* 2001; 38(2): 175-84.
2. Narayanasamy A, Owens J. A critical incident study of nurses' responses to the spiritual needs of their patients. *J Adv Nurs* 2001; 33(4): 446-55.
3. Ramachandran VS. *Phantoms in the brain: Probing the mysteries of the human mind*. London, UK: Fourth Estate; 1998.
4. Persinger MA. Feelings of past lives as expected perturbations within the neurocognitive processes that generate the sense of self: contributions from limbic lability and vectorial hemisphericity. *Percept Mot Skills* 1996; 83(3 Pt 2): 1107-21.
5. Elkins M, Cavendish R. Developing a plan for pediatric spiritual care. *Holist Nurs Pract* 2004; 18(4): 179-84.
6. Zohar D. *Spiritual intelligence: The ultimate intelligence*. New York, NY: Bloomsbury Publishing; 2001.
7. Vaughan F. What is spiritual intelligence? *Journal of Humanistic Psychology* 2002; 42(2): 16-33.

8. McSherry W, Draper P, Kendrick D. The construct validity of a rating scale designed to assess spirituality and spiritual care. *Int J Nurs Stud* 2002; 39(7): 723-34.
9. McGuire MB. Health and spirituality as contemporary concerns. *Academy of Political and Social Science* 1993; 527(1): 144-54.
10. Conscious Pursuits. *Spiritual Intelligence: What is it? How can we measure it? Why would business care?* Bellaire, TX: Conscious Pursuits, Inc; 2003. p. 1-13.
11. Smith S, Exploring the interaction of emotional Intelligence and spirituality, *Traumatology* 2004; 10(4): 231-43.
12. Wolman R. *Thinking with your soul: Spiritual intelligence and why it matters.* New York, NY: Harmony Books; 2001.
13. Ross LA. Spiritual aspects of nursing. *Journal of Advanced Nursing* 1994; 19(3): 439-47.
14. Thompson I. Mental health and spiritual care. *Nursing Standard* 2012; 17(9): 33-8.
15. Oswald KD. Nurses' perceptions of spirituality and spiritual care and emotional Intelligence. [PhD Thesis]. Des Moines, IA: Drake University. 2004.
16. van LR, Cusveller B. Nursing competencies for spiritual care. *J Adv Nurs* 2004; 48(3): 234-46.
17. Bar-On R. Emotional intelligence and self-actualization. In: Ciarrochi J, editor. *Emotional intelligence in everyday life.* New York, NY: Psychology Press; 2001.
18. Cobb CD, Mayer JD. Emotional intelligence: What the research says. *Educational Leadership* 2000; 58(3): 14-8.
19. Petrides KV, Frederickson N, Furnham A. The role of trait emotional intelligence in academic performance and deviant behavior at school. *Personality and Individual Differences* 2004; 36(2): 277-93.

Relationship between spiritual and emotional intelligence

Ahmadreza Hajian MSc¹, Mahmoud Sheikholeslami²,
Reza Homaei³, Feizollah Rahimi MSc⁴, Mahin Aminoroaia MSc⁵

Abstract

Aim and Background: Spiritual intelligence and emotional intelligence may complement each other in order to make a healthy life. On the one hand, spiritual intelligence leads to stabilization of virtues through improving spirituality and religious convictions and on the other hand, emotional intelligence improves social relations and controls affections and feelings. This may help individuals to move towards perfection.

Methods and Materials: This was a descriptive-correlational study, and the sample size included 424 students of Isfahan University of Medical Sciences in 2011, who were selected using multi-stage cluster random sampling method from different faculties and majors. Data collection tools included the trait emotional intelligence questionnaire of Petrides and Furnham (TEIQue) and a researcher-made spiritual intelligence questionnaire (with reliability coefficients of 0.84 and 0.87, respectively). Multiple regression was used to analyze the data.

Findings: The results of regression analysis showed that there was a correlation between spiritual intelligence and emotional intelligence. This relationship, which was statistically significant, was observed in different aspects of spiritual and emotional intelligence.

Conclusions: Higher spiritual intelligence leads to higher emotional intelligence and indeed, spiritual intelligence amplifies emotional intelligence.

Keywords: Students, Spiritual intelligence, Emotional intelligence

Type of article: Original

Received: 10.11.2012

Accepted: 07.02.2013

-
1. Instructor, Department of Psychology, University of Applied Science and Technology, Isfahan, Iran (Corresponding Author)
Email: ahmad_r_haj@yahoo.com
 2. Assistant Professor, Department of Psychology, Isfahan Payam Noor University, Isfahan, Iran
 3. Instructor, Department of Psychology, Isfahan Payam Noor University, Isfahan, Iran
 4. Department of Psychology, Isfahan Payam Noor University, Isfahan, Iran
 5. Educational Planning, Behavioral Sciences Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran